

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

Literary-Cultural

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

ادبی فرهنگی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا

۰۴ دسمبر ۲۰۲۳



داکتر محمد کریم فارغی

## نکاتی در باب "چیستی انسان"

انسان موجود عزیز و صاحب کرامت است، با گوهر و ارزش آفرین است ولی تا زمانی که خود خودش را کشف و استخراج نکرده باشد به مانند معدنی سر پوشیده در دل کوه است، که نه کس از آن به آسانی آگاه می گردد و نه هم کسی را به او دسترسی خواهد بود.

وقتی او خودش را نیافته و به قیمتش پی نبرده باشد حتی دوست داشتن و احترام به او نیز به جانی نمی رسد زیرا می شود برایش احترام و محبت داد ولی شایستگی و لیاقت آن به خودش تعلق دارد.

حتی وقتی خودش را بیابد و بداند که گوهر است ولی خودش را نساخته باشد مانند صخره ای از جواهر است که شایسته آرایش و نمایش نیست بلکه یک دارائی بدون کار برد خواهد بود ....

پس خود شناسی و خود باوری و خود سازی قدم هائیت که برای ارزش آفرینی و ارزش پذیری ما ضرور است، مقصد از خود شناسی شناخت فزیک و آناتومیک نیست بلکه آگاهی از دو معدن درون ما است که یکی به شر حکم می کند و دیگری به خیر، اولی از نفس انسان و دومی از دل انسان بیرون می شود.

نفس انسان بخل، کینه، دشمنی، حرص، آز، بی حیائی و بی رحمی دارد،

دل انسان محبت، سخاوت، صلۀ رحمی، تواضع و افتادگی، شرم، حیاء و حجب دارد.

انسان محصول تقابل و غلبۀ این دو قوه بر یک دیگر که یکی از ابلیس و دیگری از روح کل فیض می گیرد، است انسان در مسیر ساخته شدن مانند آسمان فصل رویش زمین یعنی بهار می ماند که گاهی در نرزش آفتاب و گاهی هم در معرض غرش باران است و این دو جمال و جلال باعث رویش دانه در زمین انسان می گردد.

وقتی دانه روئید و خرمن شد باید فشار سپار دهقان را تجربه کند تا کاه از دانه جدا گردد، هنوز کافی نیست بلکه باید دانه جور چرخ آسیاب را ببیند و سپس در آتش تنور پخته گردد تا لایق دستر خوان هر شاه و گدا گردد، فقط درین

مرحله از محصولش است که همه طالب آنست، او نه شاه را می شناسد و نه گدا را ، نه دوست را و نه دشمن را می شناسد، او یک محصول است و قابل لذت بخشیدن.

این محصول پخته انسان است، انسانی که از سختی ها آموخته ، در زیر فشار ها آرد گردیده ولی ماهیتش را حفظ نموده است، در آتش سوخته است تا باب دسترخوانی شده باشد.

آگاهی ازین مراحل و شناخت ازین دو قوه باطنی باعث معرفت و حلول مدارج روحانی در انسان می گردد، زیرا او در می یابد که کدام امر بر او حکم می راند، شیطان رجیم و یا رحمان و رحیم، او اگر تحت فرمان ابلیس قرار داشته باشد از وجودش شر بیرون می گردد و این فرمان باطنی با ظواهر او که ریشی دارد و لنگوته ، عبادت می کند و یا ریاضت می کشد چیزی را تغییر نمی دهد چون که محصول ندارد و کاه بیدانه است به عکس اگر فرمان خیر در وجودش امر گردیده باشد ولو ظاهرش هرگونه باشد، از او گرمی و صفائی، صلۀ رحمی و صداقت و آرامش سر می زند، پس ما هرچه داریم و هستیم از همان باطن ما و امر های باطن ما رقم می گیرد.

همه چیز در وجود خود ماست، خدا، پیغمبر، جنت و دوزخ ،

آنان که طلبگار خدائید، خدائید بیرون ز شما نیست ، شمائید شمائید  
اسمید و حروفید و کلامید و کتابید جبریل امینید و رسولان سمائید  
چیزیکه نکردید گم از بهرچه جوید و ندر طلب گم نشده بهر چرائید

مولانای بلخ